

Akhlaq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2024; 14(39): e13

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Facing Religious Hate Crime; A Critical Study of Islamophobia and Racism Against Muslims in the United States

Mohammad Reza Nojavan¹, Jamal Beigi^{1*}, Babak Pourghahramani¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Islamophobia or anti-Islamism refers to fear, hatred or discrimination against the religion of Islam or Muslims in general. Especially when it is perceived as a geopolitical force or a source of terrorism. The debate about the meaning of this word is still discussed and some consider it problematic. Many scholars consider Islamophobia to be a form of xenophobia or racism, although the legitimacy of this definition is disputed. Some scholars consider Islamophobia and racism to be partially overlapping phenomena, while others dispute this relationship primarily because religion is not a race. The causes and characteristics of Islamophobia are also discussed. Therefore, the questions that we seek to answer in this article are whether or not Islamophobia can be included under the category of hate crimes and how this issue is viewed in the United States, which is the main breeding ground for Islamophobia.

Methods: The research method of the present study is descriptive-analytical and the method of collecting information is library studies.

Ethical Considerations: This article adheres to ethical principles, honesty, respect for rights, confidentiality, and the principle of material and intellectual ownership.

Results: The findings of this research, which was carried out by the descriptive-analytical method and by collecting information from library sources, indicate that the primary objectives of Islamophobia include creating an enemy, preventing the spread of Islam, countering the Islamic Revolution of Iran, and maintaining military presence in the region. Various tools such as the media, extremist groups, influential politicians, sanctions against Islamic countries, and public diplomacy have been employed to achieve these goals. The consequences of Islamophobia have been severe both within the United States and beyond, leading to acts such as murder and massacres, security-police confrontations, insults to sacred beliefs, and the plundering of resources from Islamic countries. The results of this study suggest that Islamophobia holds significant importance as an ideology in the U.S. and is systematically implemented to promote hatred and discrimination within the country.

Conclusion: The presented findings show that race is a symbolic form of Islamophobia. According to the symbolic forms of Islamophobia, they are disseminated, produced and constructed through events of anti-Muslim discrimination. The incidents reviewed in this article show that Islamophobia is not in the realm of "rational" criticism of Islam or Muslims. This is often discrimination against people who look different to the majority of US citizens. The manifestation of Islamophobia in the United States also often conflates racial and religious prejudice, largely because the stereotyped Muslim is constructed as a sinister figure: the bearded, dark-skinned, turban-wearing terrorist perceived by ancient religious practices. The production of Muslims as "visible archetypes" perpetuates the negatively assessed meanings about Islam and Muslims in the United States.

Keywords: Crime Based on Religious Hatred; Islamophobia; Racism; America

Corresponding Author: Jamal Beigi; **Email:** jamalbeigi@iau-maraghe.ac.ir

Received: October 06, 2023; **Accepted:** December 23, 2023; **Published Online:** December 25, 2024

Please cite this article as:

Beigi J, Nojavan MR, Pourghahramani B. Facing Religious Hate Crime; A Critical Study of Islamophobia and Racism Against Muslims in the United States. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e13.



مواجهه با جرم مبتنی بر نفرت دینی؛

مطالعه انتقادی اسلام‌هراسی و نژادپرستی نسبت به مسلمانان در آمریکا

محمد رضا نوجوان¹، جمال بیگی^{1*}، بابک پورقهرمانی¹

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اسلام‌هراسی یا اسلام‌ستیزی به ترس، نفرت یا تبعیض علیه دین اسلام یا مسلمانان به طور کلی گفته می‌شود. به ویژه هنگامی که به عنوان یک نیروی ژئوپلیتیک یا منبع تروریسم تلقی می‌شود. جدال درباره معنی این واژه همچنان مورد بحث است و برخی آن را مشکل‌ساز می‌دانند. بسیاری از محققان اسلام‌هراسی را نوعی بیگانه‌هراسی یا نژادپرستی می‌دانند، اگرچه مشروعیت این تعریف مورد مناقشه است. برخی از محققان اسلام‌هراسی و نژادپرستی را تا حدی پدیده‌های همپوشانی می‌دانند، در حالی که برخی دیگر این رابطه را در درجه اول به این دلیل که دین یک نژاد نیست، مورد مناقشه قرار می‌دهند. علل و ویژگی‌های اسلام‌هراسی نیز موضوعات مورد بحث است، لذا سؤالاتی که در این مقاله به دنبال پاسخ آن‌ها هستیم، این است که آیا می‌توان اسلام‌هراسی را در زیرمجموعه جرائم مبتنی بر نفرت قرار داد یا خیر و اینکه در کشور آمریکا که خواستگاه اصلی اسلام‌هراسی است، به چه شکلی به این موضوع نگاه می‌شود.

روش: روش تحقیق پژوهش پیش رو، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: این مقاله به اصول اخلاقی، صداقت، رعایت حقوق، رازداری و اصل مالکیت مادی - معنوی پایبند بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق که از روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، مشخص می‌کند که مهم‌ترین هدف از اسلام‌هراسی، دشمن‌سازی، جلوگیری از گرایش به اسلام، مقابله با انقلاب اسلامی ایران و تداوم حضور نظامی در منطقه، با ابزارهایی نظیر رسانه، گروه‌های افراطی، سیاستمداران پرنفوذ، تحریم کشورهای اسلامی و دیپلماسی عمومی بهره برده شده است که پیامدهای بدی را هم در داخل آمریکا و هم در خارج از آن مانند قتل و کشتار و برخورد امنیتی - پلیسی، توهین به مقدسات و غارت منابع کشورهای اسلامی را به همراه داشته است و نتایج این تحقیق حکایت از آن دارد که اسلام‌هراسی به عنوان یک دیدگاه در آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است، لذا به صورت برنامه‌ریزی شده در راستای گسترش نفرت و تبعیض این اعمال در کشور آمریکا انجام می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های ارائه شده نشان می‌دهد که نژاد شکل نمادین اسلام‌هراسی است. مطابق با اشکال نمادین اسلام‌هراسی پیش از انتشار از طریق وقایع تبعیض ضد مسلمانان، پخش، تولید و ساخته می‌شوند. حوادث بررسی شده در این مقاله نشان می‌دهد که اسلام‌هراسی در حوزه نقد «عقلانی» از اسلام یا مسلمانان نیست. این اغلب تبعیض علیه افرادی است که از نظر اکثریت شهروندان ایالات متحده متفاوت به نظر می‌رسند. تجلی اسلام‌هراسی در ایالات متحده همچنین اغلب تعصبات نژادی و مذهبی را در هم می‌آمیزد، عمدتاً به این دلیل که مسلمان کلیشه‌ای به عنوان یک شخصیت شوم ساخته شده است: ریش‌دار، تروریست تیره‌پوست و عمامه‌پوش که توسط اعمال مذهبی باستانی ادراک شده هدایت می‌شود. تولید مسلمانان به عنوان «کهن‌الگوهای مرئی»، معانی منفی ارزیابی شده درباره اسلام و مسلمانان در ایالات متحده را حفظ و تداوم می‌بخشد.

واژگان کلیدی: جرم مبتنی بر نفرت دینی؛ اسلام‌هراسی؛ نژادپرستی؛ آمریکا

نویسنده مسئول: جمال بیگی؛ پست الکترونیک: jamalbeigi@iau-maraghe.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Beigi J, Nojavan MR, Pourghahramani B. Facing Religious Hate Crime; A Critical Study of Islamophobia and Racism Against Muslims in the United States. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e13.

مقدمه

این مقاله به بررسی نژادپرستی نسبت به اسلام و مسلمانان به عنوان مصداقی از جرائم مبتنی بر نفرت در ایالات متحده می‌پردازد. تنفر ناشی از تعصب و طرفداری تقریباً به طور قطع یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها برای اعمال جنایتکارانه در طول تاریخ بشر بوده است (۱). در ایالات متحده آمریکا، نمونه‌های قابل توجه شامل میراث طولانی خشونت، ارباب و تبعیض که موج جدید مهاجران را هدف قرار می‌دهد، مثله‌کردن سیاه‌پوستان در جنوب و سایر اشکال بدرفتاری جنایتکارانه نسبت به افراد به دلیل سرزمین مادری‌شان، رنگ پوست، زبان یا ویژگی‌های دیگر است. همچنین بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسلمانان و اعراب هدف خشونت و تنفر گسترده قرار گرفتند، در این میان با وجود انتقام‌های خصوصی ناشی از نفرت توسط مردم، دولت آمریکا نیز مسلمانان و اعراب را از لحاظ روانی و فیزیکی با عنوان جنگ با تروریسم تحت فشار قرار می‌داد.

اصطلاح اسلام‌هراسی که امروزه به عنوان شکل خاصی از جرائم مبتنی بر نفرت شناخته می‌شود، یک عبارت پذیرفته‌شده در بین کشورها می‌باشد، اگرچه در رسانه‌های بین‌المللی این عبارت به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما هنوز به‌طور دقیق معنای اسلام‌هراسی روشن نیست یا آنطور که دیگران ادعا می‌کنند، واضح نیست (۲). اسلام‌هراسی، منجر به تصویب قوانینی شده است که مسلمانان را در سطح نهادی مورد تحقیر یا هدف قرار دهند. تا به امروز، حداقل ۳۲ ایالت در سراسر ایالات متحده ایالت‌ها لویج ضد دین را مطرح و مورد بحث قرار داده‌اند. جنبش حمایت از مسلمانان در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، زمانی که ۷۸ لایحه یا اصلاحیه برای تحقیر دین اسلام طراحی شد، به اوج خود رسید (۳).

۷۳ مورد از این لایحه‌ها توسط جمهوری‌خواهان ارائه شد، در حالی که تنها یک طرح توسط یک دموکرات از آلاباما ارائه شد. در مجموع، تنها سه لایحه ضد شریعت در سطح ایالت دو حزبی بود (کانزاس، کارولینای جنوبی و شمالی). همچنین اسلام‌هراسی نیز توسط صنعت سرگرمی و فیلم تشدید

می‌شود. در سال‌های اخیر، گروه‌ها و سازمان‌های ضد مسلمان حداقل ۲۰۵ میلیون دلار برای گسترش ترس و نفرت از مسلمانان خرج کرده‌اند (۴). در سال ۲۰۱۱، یک سازمان تحقیقاتی و حمایت از سیاست عمومی مستقر در واشنگتن دی‌سی، دریافت که هفت بنیاد خیریه بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۹، ۴۲/۶ میلیون دلار برای حمایت از گسترش شعارهای ضد اسلامی و ضد اسلام در ایالات متحده هزینه کرده‌اند (۵). علاوه بر فعالیت‌های گروه‌ها و سازمان‌های ضد مسلمان، نمایندگی‌های رسانه‌ای و سرگرمی از عوامل کلیدی در افزایش اسلام‌هراسی در سراسر ایالات متحده هستند. به یک مؤسسه تحقیقاتی که داده‌های سازمان‌های غیر دولتی و دولت‌ها را مطالعه می‌کند، خبرگزاری‌هایی مانند فاکس، ان‌بی‌سی و سی‌بی‌اس اسلام را عمدتاً به عنوان منبع خشونت معرفی می‌کنند (۶).

علیرغم تمام مطالب پیش‌گفته نظام کیفری آمریکا سیاست جنایی تقنینی دوگانه را در مورد جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مسلمانان به کار برده است، به نحوی که پیش‌تر گفته شد قوانینی بر ضدیت با اسلام و مسلمانان وجود دارد و در طرف مقابل در دیگر قوانین جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مذاهب جرم‌انگاری شده است.

در قوانین مختلفی همچون قانون کنترل جرائم خشونت‌آمیز (۱۹۹۴ م.) و ماده ۲۴۹ از بخش ۱۸ قانون جزای فدرال (اصلاحی ۲۰۲۲ م.) ارتکاب جرم به دلیل ویژگی خاص قربانی همچون مذهب، جرم‌انگاری شده است.

۱. پیشینه تحقیق: ۱- مهدی شفیق (۱۳۹۷ ش.) در مقاله‌ای با عنوان اسلام‌هراسی و تبلیغات فرهنگی غرب در رسانه‌ها به نقش تبلیغات رسانه‌ای در افزایش اسلام‌هراسی پرداخته است و بیان می‌کند که دستگاه تبلیغات، آمریکا برای سلطه، اقتصادی نظامی و سیاسی بر جهان به ویژه نفوذ در کشورهای اسلامی هیچ‌گونه مرز اخلاقی و حقوق بشری را نمی‌شناسند، لذا رسانه‌های آمریکایی و غربی بدون وقفه درصدد محو فرهنگ اسلامی در تمام کشورهای جهان است (۷).

موضوع در عقاید شرق‌شناسی نوین آمریکاست که از سال ۱۹۴۴ وجود داشته و در زمان ریاست جمهوری ترامپ با تصویب قانون منع ورود اتباع کشور مسلمان به اوج خود رسیده است (۱۱).

۶- ایمران آوان (Imran Awan) (۲۰۱۶ م.) در کتاب خود اسلام‌هراسی در فضای مجازی به این موضوع اشاره می‌کند که در رسانه‌های اجتماعی همچون فیسبوک و دیگر موارد مشابه به شکل فزاینده‌ای در گسترش اسلام‌هراسی نقش دارند و عبارات مختلفی که مسلمانان را به شکل بدی معرفی می‌کند، به کرات در فضای این برنامه‌ها دیده می‌شود (۱۲).

روش

پیش از پرداختن نویسندگان به تبعیض و تقابل نژادی و اسلام‌هراسی در ایالات متحده، لازم است مرور روش‌شناختی بررسی شود. نویسندگان در گزینش طرح تحقیق مناسب، چندین ابزار روش‌شناختی را به کار گرفته‌اند، زیرا مرزهای بین پدیده (اسلام‌هراسی) و زمینه (مذهب) به وضوح مشهود و آشکار نیست، بنابراین باید از منابع متعدد استفاده شود، بررسی و کدگذاری اخبار رسانه‌های خبری و فضای مجازی یکی از منابع است. کدگذاری در تحقیق کیفی اغلب برای شناسایی کلمات یا عبارات کوتاهی استفاده می‌شود که به طور نمادین، یک ویژگی خلاصه، برجسته، ذاتی و یا برانگیزاننده را برای بخشی از داده‌های زبان محور یا بصری اختصاص می‌دهد (۱۳). فرآیند کدگذاری این تحقیق مستلزم این است که انتخاب نمونه از پوشش رسانه‌های خبری مرتبط و یافتن ارتباط آن با نژادپرستی نسبت به اسلام در ایالات متحده بررسی شود. برای بررسی مقالات مرتبط نیز گزینش برخی از مقالات، مستلزم تمرکز بر بررسی و استفاده عملی از مقاله، به‌ویژه از نظر دو ملاک تحلیل «مذهب» و «دسته‌بندی‌های مذهبی» خواهد بود. از نظر تکنیک نمونه‌گزینی (انتخاب نمونه)، این پژوهش را می‌توان نمونه‌گزینی هدفمند توصیف کرد.

۲- هادی رضازاده (۱۳۹۵ ش.) در مقاله با نام حملات تروریستی و اسلام‌هراسی در فضای مجازی عنوان می‌دارد که تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که ایجاد، شدت و میزان حملات اسلام‌هراسانه در کوتاه‌مدت، با وقوع یک یا مجموعه‌ای از حوادث در ارتباط هستند. محققان به طور ویژه حوادث تروریستی را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکل‌گیری احساسات اسلام‌هراسانه و وقوع تنش و ایجاد فضای مناسب برای گسترش عقاید خصومت‌آمیز و شکل‌گیری سلسله‌ای از اقدامات خشونت‌بار قلمداد می‌کنند. این اقدامات، نسبت به گروه‌هایی صورت می‌گیرند که در ظاهر عقاید مشابهی با تروریست‌ها دارند (۸).

۳- بهنام دارابی (۱۳۹۵ ش.) در مقاله خود تحت عنوان جرائم ناشی از نفرت مذهبی در راستای بررسی این جرائم عنوان می‌کند که «جرم ناشی از نفرت» مفهومی اجتماعی است که در اوایل دهه ۹۰ میلادی به کار برده شد و مصادیق فراوان در کشورهای مختلف یافته است. این مفهوم آن دسته از جرائمی را شامل می‌شود که براساس نفرت موجود نسبت به دسته‌ای از افراد جامعه، بنا بر اختلافی ایدئولوژیک یا طبیعی، با قربانی از سوی مجرم رخ می‌دهد. با این حال، این اصطلاح در ادبیات حقوقی ایران واژه‌ای بیگانه است (۹).

۴- حسین آقابابایی (۱۳۹۰ ش.) در مقاله‌ای با نام نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی حق حیات را به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر از منظر دو دیدگاه جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی بررسی و در بیان رابطه افراط‌گرایی مذهبی با نسبی‌گرایی حقوق بشر، این فرضیه را پیگیری نموده است که افراط‌گرایی مذهبی و توسل به خشونت به نام دین به ویژه کشتن پیروان ادیان دیگر با تمسک به دین، صرف نظر از اینکه پایه و اساس دینی نداشته، اگر بخواهد به برداشت و توجیه دینی نسبت داده شود، به گونه‌ای با نسبی‌گرایی در بحث حقوق بشر مرتبط است (۱۰).

۵- خالد بیدون (Khaled Beydoun) (۲۰۱۹ م.) در کتاب خود با عنوان اسلام‌هراسی آمریکایی به نقش این کشور در گسترش اسلام‌هراسی پرداخته و عنوان می‌کند که ریشه این

موقعیت‌یابی مقالات جهت پوشش جرائم ناشی از نفرت خاص، علیه مسلمانان، متمرکز بود.

نمونه مقالاتی که در مرحله فیش‌برداری دوم مورد بررسی قرار گرفتند، به مفاهیمی مانند «مسلمان به نظر رسیدن»، اصطلاح «پرواز در حالی که رنگ پوست قهوه‌ای رنگ هست (Flying while Brown)» و «نمایه‌های نژادی» در فرودگاه‌ها و هواپیماها مربوط می‌شوند. هنگامی که این گزارشات شناسایی شدند، نویسندگان شروع به فیش‌برداری و ربط‌دادن آن سیستم‌گذاری به چندین موضوع مفهومی گسترده از جمله اسلام‌هراسی، نمایه‌های نژادی، نژادپرستی و نقض حقوق مدنی مسلمانان کردند. تحلیل نهایی مقالات در سطح «خرد» به جای «کلان» انجام شد، به این معنی که نویسندگان به جای استفاده از میزان آرا یا نظرسنجی‌ها، با گزارشات مربوط به تجربیات زندگی روزمره مسلمانان درگیر بوده‌اند. در نهایت، هدف این مطالعه نشان‌دادن این است که چگونه مذهب و اسلام‌هراسی، یک شکل نمادین از جرائم مبتنی بر نفرت و همچنین رویدادهای اسلام‌هراسانه در ایالات متحده است.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق که از روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، مشخص می‌کند که مهم‌ترین هدف از اسلام‌هراسی، دشمن‌سازی، جلوگیری از گرایش به اسلام، مقابله با انقلاب اسلامی ایران و تداوم حضور نظامی در منطقه، با ابزارهایی نظیر رسانه، گروه‌های افراطی، سیاستمداران پرنفوذ، تحریم کشورهای اسلامی و دیپلماسی عمومی بهره برده شده است که پیامدهای بدی را هم در داخل آمریکا و هم در خارج از آن مانند قتل و کشتار، برخورد امنیتی - پلیسی، توهین به مقدسات و غارت منابع کشورهای اسلامی را به همراه داشته است و نتایج این تحقیق حکایت از آن دارد که اسلام‌هراسی به عنوان یک دیدگاه در آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است، لذا به صورت برنامه‌ریزی شده در راستای گسترش نفرت و تبعیض این اعمال در کشور آمریکا انجام می‌گیرد.

نمونه‌گزینی هدفمند به طور گسترده در تحقیقات کیفی جهت استفاده مؤثرتر از منابع محدود برای شناسایی و گزینش موارد غنی از اطلاعات استفاده می‌شود (۱۴). از آنجا که طرح‌های نمونه‌گزینی هدفمند گوناگونی وجود دارد، نویسندگان، تکنیک معیاری را گزینش کرده‌اند که مواردی را که برخی از معیارهای اعتبار از پیش تعیین شده را برآورده می‌کنند، شناسایی و گزینش می‌کند. در پرتو این تحقیق، معیار اعتبار عبارت است از: نژاد، نژادپرستی، جرم مبتنی بر نفرت (جرائم نژادپرستانه)، دسته‌بندی‌های نژادی، مسلمانان و اسلام‌هراسی. با استفاده از جستجوی واژگان کلیدی، «نظام نژادی مسلمانان در ایالات متحده» و «جرائم ناشی از نفرت علیه مسلمانان در ایالات متحده»، وبسایت‌های خبری برای بررسی بیشتر، به ویژه در پرتو حوادث مربوط به نژاد و نژادپرستی، بررسی شدند. کلیه مقالات خبری بررسی شده در پژوهش از منابع معتبر و از نظر تیراژ آنلاین از بزرگ‌ترین رسانه‌ها محسوب می‌شوند. در طول تحقیقات، نویسندگان از تحلیل محتوا استفاده می‌کنند؛ ابزاری تحقیقی که برای تعیین وجود کلمات یا مفاهیم خاص و معین در متون یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. تحلیل محتوای این مقاله منابع زیادی از شواهد را از طریق تطبیق الگو که یک تکنیک روش‌شناختی است که پیوندها و روابط بالقوه‌ای را بین قطعات اطلاعات (مرتبط با نژاد) ایجاد می‌کند را مورد بررسی قرار می‌دهند، در حالی که همزمان از همان نظریه‌ها (اسلام‌هراسی) استفاده می‌کند (۱۵) که در مورد این مقاله، قضیه یا پدیده، هم‌پوشانی و درهم‌تنیدگی (اینترسکشالیته) بین نژاد و اسلام‌هراسی است. در اولین بخش و مرحله از فیش‌برداری، نویسندگان از مقالات در دسترس دو دسته را جستجو کردند: نژاد و نژادپرستی. این دو بخش معیارهای اساسی مرحله اول تحلیل را تشکیل دادند. سرفصل‌هایی که حاوی اطلاعات بالقوه در مورد مفاهیم بود، مورد بررسی قرار گرفت و به عنوان یک رویداد اسلام‌هراسی خاص علیه مسلمانان مورد توجه قرار گرفت. پس از پایان یافتن جستجوی آنلاین خبری این معیارهای تحلیل، این تحقیق به مرحله دوم از فیش‌برداری پرداخته است که بر روی

بحث

۱. نژاد اینترسکشنالیتی و اسلام‌هراسی: مجموعه‌ای از اصطلاحات و عبارات وجود دارد که به خصومت با مسلمانان در آمریکا اشاره دارد که شناخته‌شده‌ترین آن‌ها، اصطلاح اسلام‌هراسی است. اصطلاح اسلام‌هراسی در زبان انگلیسی اولین بار در مقاله سعید (Said) (۱۶) دیده شد. او هویت لکه‌دار شده مسلمانان را در کار خود که شرق‌شناسی بود، مورد توجه قرار داد. نویسنده مذکور اشاره می‌کند که این مباحث مسلمانان را به طور سیستماتیک متفاوت از غربی‌های «معقول، توسعه‌یافته، انسانی و برتر» نشان می‌دهند، در حالی که مسلمانان و افراد مشرق زمین به عنوان «ناهنجار، توسعه نیافته، فرودست» (۱۶) در نظر گرفته می‌شوند. با این وجود، نژادسازی متفاوت اسلام و مسلمانان به شدت بر عناصر قابل مشاهده فرهنگ متکی است. این استمرار واقعیت‌های به اصطلاح بیولوژیکی است که نژادپرستی هنوز به ویژگی‌های فیزیکی برای انتخاب قربانیان بستگی دارد.

این ساختارهای شرق‌شناسی و اسلام‌هراسی ابزارهای کلیدی نژادپرستی معاصر در ایالات متحده هستند. به نظر می‌رسد که مسلمانان در کشور آمریکا در «برخورد نژادپرستی» بین مفاهیم طردکننده هویت ملی آمریکایی و «مسلمان‌بودن» نژادی گرفتار شده‌اند که هر دوی این‌ها برای قراردادن مسلمانان در معرض فعالیت‌های نژادپرستانه عمل می‌کنند و در عین حال آن‌ها را از فعالیت‌های حفاظت از حملات نژادپرستانه توسط دولت کنار می‌گذارند. علیرغم ناهمگونی جمعیت مسلمان آمریکا، مسلمانان در ایالات متحده نژادسازی شده‌اند، به این معنی که بر اساس ویژگی‌های نژادی، آن‌ها را به عنوان یک تهدیدکننده بالقوه برای سایرین معرفی می‌کنند. از این منظر، نژادسازی فرآیندی است که در آن مسلمانان آمریکایی از طریق تمایز نژادی، مانند ژنتیک یا رنگ پوست و همچنین از طریق ویژگی‌های فرهنگی درک شده مانند نمادهای مذهبی، مانند ریش یا پوشش سر، شناسایی و برچسب‌گذاری می‌شوند، در حالی که مسلمانان یک نژاد نیستند و دین اسلان یک دین الهی است. در آمریکا مسلمانان

از طریق یک فرآیند نژادی مورد بررسی قرار می‌گیرند که با ویژگی‌های فیزیکی و زیربنای نژادی مشخص می‌شود. از طریق این نژادسازی، نژادپرستی ظاهر می‌شود تا مسلمانان را به عنوان «تهدید» اهریمنی جلوه دهد که باید از طریق توهین‌های نژادی، اجبار و خشونت با آن‌ها برخورد کرد. اصطلاح اسلام‌هراسی زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که اسلام‌هراسی را در دو گزارش تعریف کرد:

Trunnymede Trust و Very Light Sleeper که منجر به گزارش اسلام‌هراسی: چالشی برای همه ما شد (۱۷):

گزارش Runnymede در سال ۱۹۹۷ اسلام‌هراسی را ترس و/یا نفرت بی‌اساس و نزدیک از اسلام، مسلمانان یا فرهنگ اسلامی/مسلمانی تعریف کرد. این تعریف هشت مؤلفه را به عنوان ویژگی اسلام‌هراسی معرفی می‌کند:

۱- اسلام به عنوان یک بلوک یکپارچه، ایستا و بدون واکنش به تغییرات تلقی می‌شود؛ ۲- اسلام مستقل و جدا به حساب می‌آید. ارزش‌های مشترکی با فرهنگ‌های دیگر ندارد، تحت تأثیر آن‌ها قرار نمی‌گیرد و بر آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد؛ ۳- اسلام نسبت به غرب پایین‌تر تلقی می‌شود و غیر منطقی است؛ ۴- اسلام را خشن، تهاجمی، تهدیدکننده، حامی تروریسم می‌دانند (تأکید اصلی)؛ ۵- اسلام به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی تلقی می‌شود و برای کسب امتیاز سیاسی یا نظامی استفاده می‌شود؛ ۶- انتقاد مسلمانان از غرب بی‌درنگ مردود است؛ ۷- خصومت با اسلام برای توجیه اعمال تبعیض‌آمیز نسبت به مسلمانان و طرد مسلمانان از جریان اصلی جامعه استفاده می‌شود؛ ۸- خصومت ضد مسلمانان طبیعی یا عادی تلقی می‌شود.

با افزودن به مبانی نظری ارائه‌شده توسط گزارش رانیمد، پیشنهاد کرد که سه مؤلفه مختلف اسلام‌هراسی وجود دارد: اولین مورد این است که اسلام‌هراسی یک ایدئولوژی است، ایدئولوژی‌ای که معنایی را درباره اسلام و مسلمانان در محیط معاصر ارائه می‌دهد «به شیوه‌هایی مشابه آنچه در طول تاریخ داشته است» (۱۸)؛ دومین مؤلفه اسلام‌هراسی «شیوه‌های عمل» است که از طریق آن معنا درباره اسلام و مسلمانان

سازماندهی کنیم. به دقت توجه داشته باشید که این اظهارات ادعا نمی‌کنند که «چیزی به نام نژاد وجود ندارد». منظور محققین این است که «هیچ موجود زیستی که اصطلاح نژاد را تضمین کند وجود ندارد» (۲۵).

طرف دیگر بحث هیچ اشکالی در تعریف، طبقه‌بندی و نامگذاری جمعیت‌های مختلف انسانی جهان نمی‌بیند. به عنوان مثال، برخی از انسان‌شناسان پزشکی قانونی از ایده واقعیت بیولوژیکی اولیه نژادهای انسانی حمایت می‌کنند (۲۶). زیست‌شناسانی که ژنوم را برای شواهدی از انتخاب طبیعی اسکن می‌کنند، سیگنال‌های بسیاری از ژن‌ها را شناسایی کرده‌اند که در گذشته تکاملی اخیر مورد علاقه انتخاب طبیعی بوده‌اند (۲۴)، البته هیچ انسان‌شناس یا زیست‌شناس قانونی، ارزیابی نژادی را بر اساس این روش‌ها انجام نمی‌دهد، اما در ترکیب آن‌ها می‌توانند ارزیابی‌های قابل اعتمادی انجام دهند. به عبارت دیگر، معیارهای متعدد کلید موفقیت در همه این تعیین‌ها هستند (۲۶) نیز تمایل به رد واقعیت بیولوژیکی نژاد را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند که طبقه‌بندی - مکتبی از طبقه‌بندی که به اجداد مشترک متوسل می‌شود - راه جدیدی برای تعریف نژاد از نظر بیولوژیکی ارائه می‌کند.

آن نژادپرستی که توسط تفاوت‌های ژنومی اجدادی تعریف می‌شود، ریشه در ذات‌گرایی بیولوژیکی و این ایده دارد که تفاوت‌های غیر قابل انکاری بین «نژاد» جهان وجود دارد. در بافت تاریخی ایالات متحده، جوامع اقلیت‌های نژادی و مذهبی از طریق طبقه‌بندی‌های نژادی به عنوان مردان و زنان «رنگین پوست» مورد هدف قرار گرفته و مورد استثمار قرار گرفته‌اند. این شکل از تبعیض در تعصب مستقیم و شخصی سفیدپوستان آمریکایی علیه نژاد مختلف آشکار شد (۲۷). این «نژادها» افراد رنگین‌پوستی هستند که به معنای واقعی کلمه از قبل مورد قضاوت قرار گرفتند، یعنی قبل از اینکه شواهد مربوطه در مورد توانایی‌ها و علایق آن‌ها در دسترس کسانی باشد که برای قضاوت آن‌ها می‌آیند، مورد قضاوت قرار گرفتند برای تصریح، محققان ممکن است به نژادها اشاره کنند، اما آن‌ها را به واقعیت‌های بیولوژیکی منسجم تبدیل نمی‌کند. تقریباً ۱/۸

پایدار شده و تداوم می‌یابد. مؤلفه نهایی اسلام‌هراسی، اقدامات طردکننده است: اعمالی که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی علیه اسلام و مسلمانان ضرر و تبعیض ایجاد می‌کند. شیوه‌های طرد شامل اعمال خشونت به عنوان ابزار طرد می‌شود.

از زمانی که Runnymede Trust «اسلام‌هراسی» را رایج کرد، بسیاری از محققان نگرانی‌های روش‌شناختی و نظری را در مورد این اصطلاح مطرح کردند (۲۰-۱۹).

برخی این تصور را که اسلام‌هراسی نوعی نژادپرستی است، رد می‌کند، زیرا «عاری از هرگونه جبر زیستی یا فرهنگی» گفتمان‌های نژادپرستانه است. سایر منتقدان معتقدند که اصطلاح اسلام‌هراسی یک بازی سیاسی است که برای ساکت‌کردن منتقدان «برتری اسلامی» طراحی شده است (۲۱). علاوه بر این، لارسون و ساندر (Larsson & Sander) (۲۰۱۵ م.) یک مفهوم بالقوه بیشتر را با تعریف Runnymede Trust از اسلام‌هراسی مورد بحث قرار می‌دهند. آن‌ها این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا یک فرد باید همه این عقاید را داشته باشد و با آن‌ها موافقت کند تا اسلام‌هراسی تلقی شود (۲۲).

این تصور که اسلام‌هراسی با نژاد تلاقی می‌کند، ریشه در این ایده دارد که نژاد یک ساختار اجتماعی است تا یک واقعیت یا واقعیت بیولوژیکی. نژاد، یک مفهوم برجسته اجتماعی - تاریخی، با روابط اجتماعی خاص و زمینه تاریخی که در آن تعبیه شده است، عیناً بیان می‌شود (۲۳). از نظر داده‌های علمی، کارشناسان به این نتیجه می‌رسند که هیچ ژن یا گروه مشترکی برای «نژادهای» مختلف مانند آسیایی، سیاه‌پوست یا سفید وجود ندارد. تحلیل‌های اخیر ژنوم انسان نشان می‌دهد که تکامل انسان اخیر، فراوان و منطقه‌ای بوده است، به این معنی که نژادها یا هویت‌های نژادی به جای ثابت، سیال هستند (۲۴). به این ترتیب، مفهوم قرن هفدهم برای تعریف نژاد بر اساس تغییرات فیزیکی و عمومی دیگر توسط اکثر جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و زیست‌شناسان پذیرفته نمی‌شود، در حالی که تفاوت‌های جغرافیایی در زیست‌شناسی انسان وجود دارد، با توجه به آسیب‌پذیری‌های بیماری‌های خاص، نمی‌توانیم تفاوت‌ها را به طور معناداری حول نژاد

میلیارد مسلمان در سراسر جهان ژن قبیله‌گرایی یا خشونت را ندارند، اگرچه نژاد و نژادپرستی شبیه به هم به نظر می‌رسند، اما می‌توان آن‌ها را با تعدادی از عوامل متمایز کرد.

نژاد روشی برای طبقه‌بندی انسان‌ها بر اساس سطح ادراک روابط زیستی، فرهنگی و اجتماعی است. از سوی دیگر، نژادپرستی راهی برای رفتار با دیگران بر اساس «نژاد» آن‌هاست. نژادپرستی به عنوان «تعامل هماهنگ انواع خاصی از کلیشه‌ها، تعصبات و تبعیض» تعریف شده است. جونز (Jones) همچنین بیان می‌کند که نژادپرستی تبعیض افراد و نهادها را به شیوه‌هایی که توسط باورها، نگرش‌ها و پیامدهای منفی توجیه می‌شوند و تمایل به تداوم دارند، منعکس می‌کند. فرار از اتهامات نژادپرستی یک تاکتیک رایج در میان برخی از منتقدان اسلام است. برای مثال، کسانی که زیر چتر اسلام‌هراسی قرار می‌گیرند، ممکن است خود را نه نژادپرست نه بیگانه‌هراس ببینند، «بلکه مدافع دموکراسی و حقوق بشر در برابر پیروان دینی باشند که معتقدند با هر دو ناسازگار است نژادپرستی و اسلام‌هراسی، «از لحاظ تحلیلی متمایز هستند»، اما همچنین خاطرنشان می‌کند که این دو مفهوم «از لحاظ تجربی به هم مرتبط هستند» (۲۸).

اسلام‌هراسی به عنوان نوعی نژادپرستی توصیف شده است که مسلمانان در آمریکا را به این دلیل که «فرهنگ اسلامی» آن‌ها برای آمریکایی‌ها ناپسند است و اینکه «فرهنگ اسلامی» آن‌ها در تضاد با «فرهنگ آمریکایی» است، سرکوب می‌کند. این نوع نژادپرستی نشان‌دهنده عدم تحمل نسبت به تنوع فرهنگی و قومی به عنوان یک کل است و نه تنها مسلمانان (۲۰). نژادپرستی، در این زمینه از جهت‌گیری فرهنگی یا فرهنگ‌های تصویری، شامل تعصب یا تبعیض علیه افراد به دلیل ترجیحات فرهنگی درک شده آن‌هاست. این نوع «نژادپرستی ناخودآگاه» یا «نژادپرستی بدون نژاد» فاقد سیستم رسمی تفکیک و سایر اشکال نژادپرستی آشکار است، اما سیستمی از نابرابری، بی‌عدالتی و تمایز نژادی را مطرح می‌کند (۲۹).

دولت - ملت‌ها همچنین قادرند طبقه‌بندی‌های نژادی را نه به عنوان واحدهای زیست‌شناسی، بلکه به عنوان راه‌هایی برای تنظیم ملت و تعیین مرزهای هویت ملی بسازند. مفهوم‌سازی از دولت نژادی - دولتی که «جمعیت‌ها را در گروه‌های نژادی تعریف شده تعریف می‌کند» - توسط نهادها برای تنظیم مقوله‌های اجتماعی استفاده می‌شود (۳۰). نویسنده دیگری با تکیه بر مفهوم دولت نژادی گلدبرگ، از اسلام‌هراسی به عنوان «شکلی از حکومت نژادی» یاد می‌کند که منجر به یکسری مداخلات و طبقه‌بندی‌های نهادی می‌شود که بر رفاه جمعیت‌هایی که به عنوان مسلمان تعیین شده‌اند، تأثیر می‌گذارد. در این زمینه، اسلام‌هراسی نژادپرستی نهادی را حفظ می‌کند و در عین حال، نمایش‌های فردی تعصب را که به نژادپرستی مبتنی بر تفاوت‌های بیولوژیکی ابتدالی می‌بخشد، پنهان می‌کند، اما از بین نمی‌برد (۱۶). مبنای نظری این مقاله این است که تبعیض و جنایات نفرت علیه مسلمانان در آمریکا با درک نژادپرستانه از «هویت مسلمان» آمیخته شده است که جلوه‌های دولت نژادی ایالات متحده و حکومت نژادی شده را روشن می‌کند. در این پرتو، نژاد به عنوان «شکل نمادین» اسلام‌هراسی ظاهر شده است (۱۸). این مقاله با این استدلال که در ایالات متحده، مسلمانان از طریق ساخت «الگوی قابل رؤیت» از «هویت مسلمان»، با استفاده از نشانگرهای نمادین مانند نام، لباس و با استفاده از نشانگرهای نمادین، چهارچوب نژادی‌شدن را تقویت می‌کند.

در بخش بعدی، سه مجموعه یافته برای بررسی اینترسکشالیتهی ارائه شده است. بخش اول به بررسی نظرسنجی‌های عمومی می‌پردازد تا میزان احساسات ضد مسلمانان در ایالات متحده را آشکار کند. مجموعه داده‌های دوم و سوم از تجزیه و تحلیل محتوای مقالات خبری استفاده می‌کنند که جنایات ناشی از نفرت علیه را پوشش می‌دهد.

۲. اسلام‌هراسی، جنایات مبتنی بر نفرت دینی و اصطلاح «Flying While Brown»: مروری بر نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که اکثریت غیر مسلمانان در ایالات متحده به طور فزاینده‌ای نسبت به مسلمانان خصومت دارند. جدیدترین

(۳۵). این روندها ناگزیر به گفتمان و احساسات اسلام‌هراسی کمک می‌کند.

بر اساس یک نظرسنجی انجام‌شده، آمریکایی‌ها بین مسلمانان و اسلام تفاوت قائل می‌شوند و نسبت به مسلمانان، اسلام را بدتر می‌بینند. این موضوع ممکن است دلایل زیادی داشته باشد، اما در اصل، برای آمریکایی‌ها احتمالاً راحت‌تر است که نسبت به اسلام ابراز بیزاری کنند تا اینکه نسبت به مردم (مسلمانان) تعصب داشته باشند (۳۶). علیرغم ادعاهایی مبنی بر ورود ایالات متحده به «دوران پسا نژادی»، طبقه‌بندی‌های نژادی که یک رویه تبعیض‌آمیز است، هر روز در شهرها و شهرستان‌های سراسر کشور اتفاق می‌افتد، زمانی که مجریان قانون و امنیت خصوصی افراد رنگین‌پوست را هدف قرار می‌دهند، طبق گفته اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (ACLU)، این تاکتیک پلیسی آشکارا غیر قانونی است، زیرا وعده‌های اصلی قانون اساسی ایالات متحده در مورد حمایت برابر قانون از همه و همچنین آزادی از جستجوها و توقیف‌های غیر منطقی را نقض می‌کند.

۳. جرائم مبتنی بر نفرت: جنایت ناشی از نفرت به عنوان «جرم جنایی با انگیزه کامل یا جزئی از وضعیت گروهی واقعی یا درک‌شده دیگری، مانند نژاد و قومیت، مذهب، ناتوانی، گرایش جنسی، جنسیت و هویت جنسی» درک و فهمیده می‌شود (۳۱). بر اساس این تعریف، جنایت نفرت ضد مسلمانان نوعی از جرائم نفرت مذهبی را تشکیل می‌دهد، اگرچه این جرائم ناشی از نفرت را می‌توان به عنوان «جنایت نفرت نژادی» یا با نفرتی که انگیزه‌های سیاسی دارد نیز درک کرد، البته مشکل اصلی این است که چنین تمایزات منظمی اغلب در دنیای واقعی از بین می‌رود. در واقعیت، تمایز بین «جرم ناشی از نفرت مذهبی» و «جرم ناشی از نفرت نژادی» اغلب مبهم است و وضوح مفهومی و گزارش‌دهی را دشوار کند (۳۷). آنچه مشخص است این است که لفاظی‌های نفرت‌آفرین نسبت به مسلمانان در آمریکا پیامدهایی دارد.

هنگامی که تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌ها دیدگاه‌های نامطلوبی نسبت به اسلام و مسلمانان دارند، همانطور که برخی

گردآوری داده‌های مربوط به جنایات نفرت و اسلام‌هراسی توسط شورای روابط آمریکایی - اسلامی (CAIR) (۲۰۲۱ م.) نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، حوادث تعصبات ضد مسلمانان ۶۵ درصد افزایش یافته است. تنها در سال ۲۰۲۰، حوادث اسلام‌هراسی ۵۷ درصد افزایش یافته است (شورای روابط آمریکایی - اسلامی، ۲۰۲۱ م.). یافته‌های CAIR مشابه داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط مرکز مطالعه نفرت و افراط‌گرایی (CSHE) در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا سن برناردینو بود که در ۲۰ ایالت به حساب می‌آمد و مجموعاً ۱۹۶ حادثه را در سال ۲۰۱۵ ثبت کرد (۳۱). این رقم ۲۹ درصد بیشتر از مجموع ۱۵۴ مورد در سال ۲۰۱۴ برای کل کشور است که توسط FBI جدول‌بندی شده است. بزرگ‌ترین افزایش قبل از آن از سال ۲۰۰۱ در سال ۲۰۱۰ بود، زمانی که جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان از ۱۰۷ به ۱۶۰ افزایش یافت، یعنی افزایش ۴۹/۵ درصدی، در بحبوحه بحث بر سر «مسجد زمین صفر (Ground Zero Mosque)». در شهر نیویورک، حملات ضد مسلمانان نه‌تنها در تعداد کل در حال افزایش است، بلکه به عنوان درصدی از مجموع جنایات نفرت (۳۲) در حال افزایش است. از بین همه گروه‌های مذهبی در ایالات متحده، آمریکایی‌ها به آنتیست‌ها و مسلمانان سردتر نگاه می‌کنند (۳۳). در سال ۲۰۲۱، نگرش نامطلوب نسبت به مسلمانان آمریکایی به ۶۷ درصد افزایش یافت.

نظرسنجی در مورد دیدگاه آمریکایی‌ها نسبت به مسلمانان نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی دیدگاه «تا حدودی یا بسیار نامطلوب» نسبت به اسلام داشتند، در حالی که از هر چهار نفر یک نفر گفتند مطمئن نیستند که چگونه به این دین نگاه می‌کنند (۳۴).

از آمریکایی‌هایی که در نظرسنجی مورد بررسی قرار گرفتند، از هر ۱۰ نفر تنها یک نفر گفت که تا به حال از یک مسجد دیدن کرده است و ۴۴ درصد گفته‌اند که نمی‌خواهند بیشتر درباره اسلام بیاموزند. علاوه بر دیدگاه‌های نامطلوب خود نسبت به اسلام، درصد زیادی (۴۲ درصد) از آمریکایی‌ها معتقدند که سازمان‌های مجری قانون در استفاده از تاکتیک‌های پروفایل نژادی علیه مسلمانان و اعراب حق دارند

گلوله‌هایی با تعداد بالا قرار گرفت (۴۰). ضارب صریحاً از محمد پرسید که آیا او در واقع مسلمان است یا اهل خاورمیانه است. وقتی او پاسخ منفی داد، حمله متوقف نشد. اظهارات ضارب به پلیس پس از این حادثه انگیزه واقعی او را آشکار می‌کند. وقتی نمایندگان به ضارب گفتند که قربانی او مسلمان نیست، او به آن‌ها گفت که اهمیتی نمی‌دهد، که «همه آن‌ها مثل هم هستند». در این مورد، «آن‌ها» (یا «مردم به ظاهر مسلمان») به صورت یکپارچه و مثل هم نقاشی می‌شوند. ظاهر فیزیکی محمد، به ویژه رنگ پوست او، با هویت اجتماعی (مسلمان) مرتبط بود. این روند حکومت‌های نژادپرستانه به طور منظم مسلمانان را در فرودگاه‌های ایالات متحده هدف قرار می‌دهد و باعث شده است که با بسیاری از مردان و زنان مسلمان با سوءظن برخورد کنند.

برخی استدلال می‌کنند که گفتن اینکه اسلام‌هراسی نتیجه ساده «اختلاف منطقی» با اصول اسلام است، نه بی‌اعتمادی بیگانه‌هراسانه نسبت به افرادی که به نظر متفاوت از آمریکایی‌های «عادی» هستند، ریاکارانه است. نکته زمانی واضح‌تر می‌شود که ببینیم چه میزان اسلام‌هراسی متوجه سیک‌ها می‌شود. جوامع سیک در سراسر ایالات متحده قربانی جنایات ناشی از نفرت توسط آمریکایی‌ها شده‌اند. گزارش‌های مربوط به حوادث بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر و نگرانی از افزایش جنایات ناشی از نفرت باعث تأسیس ائتلاف سیک‌ها شد که اکنون بزرگ‌ترین سازمان حمایت از سیک‌ها و حقوق مدنی در کشور است. در اولین ماه پس از ۱۱ سپتامبر، ائتلاف بیش از ۳۰۰ مورد خشونت و تبعیض علیه سیک‌ها را در ایالات متحده ثبت کرد (۴۱).

به نظر می‌رسد کسانی که به سیک‌ها حمله می‌کنند چندان به تفاوت‌های میان سیکسیم و اسلام که دو دین متفاوت هستند، اهمیت نمی‌دهند. در سپتامبر ۲۰۰۱، بالیبار سینگ سودی در خارج از پمپ بنزین مسلا، آریزونا، توسط فرانک روک، شهروند آمریکایی که به مجریان قانون گفت می‌خواهد در انتقام حملات ۱۱ سپتامبر «یک مسلمان را بکشد» هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. صندوق دفاع حقوقی و آموزش

اشاره می‌کند، عجیب نیست که درصدی از آن‌ها در حملات جنایت نفرت‌انگیز شرکت می‌کنند. از ۱۱ سپتامبر، مسلمانان آمریکایی و کسانی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند و تصور می‌شود مسلمان هستند، با افزایش جنایات نفرت انگیزه نژادی و مذهبی مواجه شده‌اند. گزارش ماه مه ۲۰۲۱ توسط شورای روابط آمریکایی - اسلامی (CAIR) نشان داد که جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان در ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است، درست مانند آنچه در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت (۳۸).

یافته‌های کلیدی در این گزارش نشان می‌دهد که چگونه تعصب اسلام‌هراسی روند افزایش خشونت را ادامه‌دار کرده است (شورای روابط آمریکایی اسلامی، ۲۰۲۱ م). در سال ۲۰۲۱، افزایش ۵۷ درصدی در حوادث تعصبات ضد مسلمانان را نسبت به سال ۲۰۲۱ ثبت کرد که با افزایش ۴۴ درصدی در جرائم ناشی از نفرت ضد مسلمانان در همان دوره همراه بود. آزار و اذیت (رویداد سوگیری غیر خشونت‌آمیز یا غیر تهدیدکننده). طبق آمار FBI، تعداد جرائم ناشی از نفرت علیه مسلمانان تا سال ۲۰۲۱ تقریباً پنج برابر نرخ قبل از ۱۱ سپتامبر ثابت شده است. تعداد جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان در ایالات متحده احتمالاً بیشتر از اعداد مستند شده در گزارش CAIR در سال ۲۰۲۱ است. این سازمان نوشت، مسلمانان آمریکایی «اغلب حوادثی مانند آزار و اذیت و قلدری را گزارش نمی‌کنند، زیرا سطح خاصی از حساسیت‌زدایی وجود دارد». CAIR اضافه کرد که برخی از مسلمانان آمریکایی اغلب احساس می‌کنند که «هیچ کاری نمی‌توان کرد» زمانی که به خاطر ایمانشان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و احساس می‌کنند که چنین حوادثی «عادی» شده‌اند.

مورد کامرون محمد (Cameron Mohammad) به این دلیل قابل توجه است که یکی از واضح‌ترین نمونه‌هایی است که چگونه نژادی کردن اسلام منجر به جنایات ناشی از نفرت اسلام‌هراسی می‌شود (۳۹). محمد، ساکن فلوریدا، در سال ۲۰۱۳ با یک تفنگ گلوله‌ای در خارج از والمارت مورد اصابت

قانون موجود در این زمینه قانون حق دانستن جرائم ناشی از نفرت در دانشگاه‌ها (۱۹۹۷ م.) است که در ذیل ماده U.S.C. 1092 § ۲۰ مطرح شده است، پرسنل حراست دانشگاه‌ها را ملزم به جمع‌آوری و گزارش‌دادن داده‌ها در خصوص جرائم ناشی از نفرت می‌نماید که بر پایه نژاد، جنسیت، مذهب، گرایش‌های جنسی، قومیت یا معلولیت انجام شده‌اند.

قانون مداخله کیفری در حق مسکن عادلانه (۱۹۸۸ اصلاحی ۱۹۹۶ م.) نیز بر اساس ماده 3631 U.S.C. § 42 در مواقعی که حق داشتن مسکن به دلایلی همچون نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، ناتوانی، وضعیت خانوادگی یا منشأ ملی قربانی، دچار خدشه می‌شود در حقوق مسکن دخالت می‌کند.

از دیگر قوانین مرتبط می‌توان به قانون آسیب به اموال مذهبی، قانون پیشگیری از آتش سوزی کلیسا (اصلاحی ۲۰۱۸ م.) اشاره کرد که ماده 247 U.S.C. § 18 به این موضوع اشاره دارد که تخریب عمدی، آسیب یا تخریب اموال غیر منقول مذهبی را به دلیل ماهیت مذهبی اموال، در مواردی که جرم بر تجارت بین ایالتی یا خارجی تأثیر می‌گذارد یا به دلیل نژاد، رنگ یا ویژگی‌های قومی افراد مرتبط با آن منع می‌کند. این قانون همچنین مانع تراشی عمدی با زور یا تهدید به زور هر شخص در بهره‌مندی از اعمال آزادانه عقاید مذهبی آن شخص را جرم‌انگاری می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد که نژاد شکل نمادین اسلام‌هراسی است. مطابق با اشکال نمادین اسلام‌هراسی پیش از انتشار از طریق وقایع تبعیض ضد مسلمانان، پخش، تولید و ساخته می‌شوند. حوادث بررسی‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که اسلام‌هراسی در حوزه نقد «عقلانی» از اسلام یا مسلمانان نیست. این اغلب تبعیض علیه افرادی است که از نظر اکثریت شهروندان ایالات متحده متفاوت به نظر می‌رسند. تجلی اسلام‌هراسی در ایالات متحده همچنین اغلب تعصبات نژادی و مذهبی را در هم می‌آمیزد، عمدتاً به این دلیل که مسلمان کلیشه‌ای به عنوان یک شخصیت شوم ساخته شده

آمریکا. در دسامبر ۲۰۱۵، یک سارق به یک کارمند فروشگاه هندی در گراند راپیدز، آیووا شلیک کرد. این منشی که یک غیرمسلمان اهل پنجاب در هند است، پس از آنکه ضارب او را «تروریست» خواند، به صورتش هدف گلوله قرار گرفت. در واقع، عباراتی مانند «تروریست»، «جهاد» و «شریعت» عناصری از فرهنگ پرکاربرد اسلام‌هراسی هستند. این مؤلفه‌های تعصب ساختاری نفرت از مسلمانان را تشکیل می‌دهند که مسلمانان را به عنوان «دیگری» قابل شناسایی نشان می‌دهد. در حادثه دیگری در سپتامبر ۲۰۱۳، یک پزشک بسیار ماهر سیک هنگام قدم‌زدن در نزدیکی پارک مرکزی شهر نیویورک مورد حمله قرار گرفت. این جنایات نفرت‌انگیز علیه سیک‌ها نشان می‌دهد که واقعاً لازم نیست که فردی به معنای الهیاتی یا فرهنگی مسلمان باشد تا مورد حمله اسلام‌هراسی قرار گیرد، بلکه مهم این است که فرد چگونه فرهنگ خود را بیان می‌کند، چگونه به نظر می‌رسد و آیا این «نگاه‌ها» به شکلی منفی با اسلام و مسلمانان آمیخته می‌شود؟ داده‌های ارائه‌شده در مورد جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان در آمریکا نشان می‌دهد که چگونه حوادث اسلام‌هراسی ناشی از این ایده است که «هویت مسلمان» دارای پایه‌های نژادی است و می‌توان این عمل بر ضد مسلمانان را تبعیض نژادی نیز خواند (۴۲).

در نظام کیفری این کشور قوانین زیادی در ابطه با جرم مبتنی بر نفرت وجود دارد، اما قوانینی که جرم مبتنی بر نفرت دینی را مورد جرم‌انگاری قرار داده باشد، محدودتر است که به طور خلاصه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد: قانون کنترل جرائم خشونت‌آمیز (۱۹۹۴) این قانون تحت ماده § 28 U.S.C. در سال ۱۹۹۴ تصویب شده است، کمیسیون صدور احکام مجازات آمریکا را ملزم به افزایش جریمه‌های مرتبط با آن دسته از جرائم ناشی از نفرت می‌کند که بر پایه رنگ، نژاد، مذهب، ملیت، قومیت یا جنسیت هر فردی، انجام شده باشند. قانون داده‌های آماری جرائم ناشی از نفرت (۱۹۹۰ م.) در ذیل ماده § 534 U.S.C. 28، دادستان کل را ملزم به جمع‌آوری داده در رابطه با جرائمی می‌کند که به خاطر قومیت، گرایش‌های جنسی، معلولیت، مذهب یا نژاد قربانی انجام شده‌اند. دیگر

مدنی خود محافظت کنند. به طور خلاصه، مسلمانان آمریکایی می‌توانند به طور همزمان از نظر نژاد و مذهب مورد توجه قرار گیرند، در حالی که ممکن است به نظر برسد که استدلال‌های سنتی اسلام‌هراسی بیشتر به شکل سوءاستفاده بر اساس مذهب است.

مشارکت نویسندگان

جمال بیگی: نظارت و همکاری در نگارش مقاله.

محمد رضا نوجوان: جمع‌آوری مطالب و نگارش متن مقاله.

بابک پورقهرمانی: ارائه مشاوره و نظارت بر انجام تحقیق.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

است: ریش‌دار، تروریست تیره‌پوست و عمامه‌پوش که توسط اعمال مذهبی باستانی ادراک شده هدایت می‌شود.

تولید مسلمانان به عنوان «کهن الگوهای مرئی»، معانی منفی ارزیابی شده درباره اسلام و مسلمانان در ایالات متحده را حفظ و تداوم می‌بخشد. بنابراین نژاد شکل می‌دهد و تعیین می‌کند. همانطور که این مقاله نشان می‌دهد، تلقی از مسلمانان که سپس تفکر در مورد اسلام را به عنوان نژادپرستی «دیگری» علیه مسلمانان و غیر مسلمانان در ایالات متحده آگاه می‌کند و می‌سازد، در سطح اجتماعی/تعاملی و همچنین نهادی ظاهر می‌شود، در حالی که نژادپرستی ضد اسلامی اغلب در تعاملات روزمره بین مسلمانان و غیر مسلمانان آشکار می‌شود، مبارزات قدرت نهادینه شده در ایالات متحده برای تشدید اسلام‌هراسی کلیدی است. جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان آمریکایی و کسانی که مسلمان پنداشته می‌شوند شرایطی را برای شهروندی درجه دوم ایجاد کرده است که در آن مسلمانان و گروه‌های مرتبط با اسلام امنیت خود را در مخاطره می‌بینند و آزادی‌های محدود در ایالات متحده برای آن‌ها رقم می‌خورد. درک «کوررنگی» از اسلام‌هراسی - یعنی نادیده گرفتن نقشی که نژاد در نژادپرستی ضد اسلامی ایفا می‌کند - به برخی از اعمال نژادپرستانه مشروعیت می‌بخشد و نابرابری‌هایی مانند تبلیغات نژادی در فرودگاه‌ها، خشونت پلیس، تبعیض مسکن و شغل و محرومیت رأی‌دهندگان را حفظ می‌کند.

شناسایی تأثیری که نژادپرستی در جنایات ناشی از نفرت و تبلیغات نژادی نهادی دارد، مانع بزرگی برای ساختن جامعه‌ای کثرت‌گرایانه‌تر را روشن می‌کند، جامعه‌ای که در آن افراد به جای پیش‌زمینه‌های نژادی یا مذهبی‌شان بر اساس محتوای شخصیت‌شان قضاوت می‌شوند. علاوه بر این، دنبال کردن بهبود درک عمومی از اسلام و «هویت مسلمان» و همچنین گسترش شناخت عمومی مسلمانان آمریکایی خارج از تصویرهای کلیشه‌ای از «هویت مسلمان» ممکن است منجر به کاهش حوادث جنایت ناشی از نفرت و تبلیغات نژادی شود. با توجه به تأثیر نژاد و نژادپرستی بر حوادث اسلام‌هراسی، این نهادها می‌توانند به مسلمانان آمریکایی کمک کنند تا از حقوق

References

1. Yin RK. Case Study Research: Design and methods. 2nd ed. Beverly Hills: Sage Publishing; 1994. p.22.
2. Richardson R. Islamophobia or anti-Muslim racism or what? Concepts and terms revisited. Inservice Training and Educational Development. No Date. p.3. Available at: <http://www.insted.co.uk/anti-muslim-racism.pdf>. Accessed 27 October, 2016.
3. Rifai R. Report: Islamophobia is a multimillion-dollar industry. 2016. p.55. Available at: <https://www.aljazeera.com/indepth/features/2016/06/report-islamophobia-multi-million-dollar-industry-160623144006495.html>. Accessed 8 July, 2017.
4. Council on American-Islamic Relations (CAIR). Confront Fear: Islamophobia and its Impact in the United States (2016 Report). Washington: Council on American-Islamic Relations; 2016.
5. Ali W. Exposing the Islamophobia Network in America. The Huffington Post. 2011. Available at: <https://www.americanprogress.org/article/fear-inc/>.
6. Media Tenor International. 2011.
7. Shafiqh M. Islamophobia and Western Cultural Propaganda in Media. Islamic Teachings, Preaching, and Communications. 2018; 6(1): 1-19. [Persian]
8. Rezazadeh H. Terrorist Attacks and Islamophobia in Cyberspace. Rahavard-e Noor. 2016; 15(54): 27-35. [Persian]
9. Darabi B. Religious hates crimes. Motaleate Taghribi Mazaheb-e Eslami. 2017; 12(46): 56-67. [Persian]
10. Aghababai H. Relativism in Human Rights and Religious Extremism. International Relations Research. 2011; 1(1): 183-206. [Persian]
11. Beydoun KH. American Islamophobia Understanding the Roots and Rise of Fear. California: University of California Press; 2019.
12. Awan I. Islamophobia in Cyberspace. New York: Routledge; 2016.
13. Saldana J. The Coding Manual for Qualitative Researchers. London, Thousand Oaks, New Delhi and Singapore: Sage Publications; 2009. p.9.
14. Patton MQ. Qualitative Research and Evaluation Methods. Thousand Oaks: Sage Publications; 2002. p.34.
15. Campbell DT. Degrees of freedom and the case study. Comparative Political Studies. 1975; 8(2): 178-193.
16. Said EW. Orientalism Reconsidered. Race and Class. 1985; 27(2): 1-15.
17. Runnymede Trust. Islamophobia: A challenge for us all. The Runnymede Trust. 1997. p.14. Available at: <https://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>.
18. Allen C. Islamophobia, Farnham: Ashgate. California: University of California Press; 2010. p.68, 110.
19. Bleich E. What Is Islamophobia and How Much Is There? Theorizing and Measuring an Emerging Comparative Concept. American Behavioral Scientist. 2011; 55(12): 1581-1600.
20. Savelkoul M, Scheepers P, van der Veld WM, Hagendoorn L. Comparing Levels of Anti-Muslim attitudes across Western countries. Quality & Quantity. 2012; 46(5): 1-8.
21. Berlinski C. Moderate Muslim Watch: How the Term "Islamophobia" Got Shoved Down Your Throat. The Legal Project. 2010; 3.
22. Larsson G, Sander Å. An Urgent Need to Consider How to Define Islamophobia. Bulletin for the Study of Religion. 2015; 44(1): 13-17.
23. Omi M, Winant H. Racial Formation in the United States: From the 1960s to the 1990s. New York, London: Routledge; 1994. p.49.
24. Wade N. What Science Says About Race and Genetics. Time. 2014. Available at: <https://www.time.com/91081/what-science-says-about-race-and-genetics/>.
25. Brace L. Does Race Exist? Public Broadcasting Service. 2000. Available at: <https://www.pbs.org/wgbh/nova/article/does-race-exist/>.
26. Gill G. Does Race Exist? Public Broadcasting Service. 2000.
27. Welty G. Affirming Affirmative Action: Rejecting the "New" Racism. Dayton, Ohio: Paper Presented at the 74th Annual Conference of the Association for the Study of African American Life and History; 1989. p.19-20.
28. Jones JM. Prejudice and Racism. New York: McGraw-Hill; 1997. p.89
29. Cole J. The New Racism in Europe. Cambridge: Cambridge University Press; 1997. p.59.
30. Goldberg DT. The Racial State. Oxford: Blackwell Publishers; 2002. p.110.

31. Levin B. Special Status Report: Hate Crime in the United States (20 State Compilation of Official Data). San Bernardino: Center for the Study of Hate & Extremism at the California State University; 2016b. p.4, 67.
32. Lichtblau E. Hate Crimes against American Muslims Most since Post-9/11 Era. The New York Times. 2016. Available at: <https://www.nytimes.com/2016/09/18/us/politics/hate-crimes-american-muslims-rise.html>.
33. Pew Research Center. How Americans Feel About Religious Groups. The Pew Forum. 2014. Available at: <http://www.pewforum.org/2014/07/16/how-americans-feel-about-religious-groups/>.
34. Kaleem J. More Than Half of Americans Have Unfavorable View of Islam, Poll Finds. The Huffington. 2015. p.9.
35. Siddiqui S. Americans' Attitudes toward Muslims and Arabs Are Getting Worse, Poll Finds. The Huffington Post. 2014. Available at: https://www.huffingtonpost.com/2014/07/29/arab-muslim-poll_n_5628919.html.
36. Telhami S. What Americans really think about Muslims and Islam? The Brookings Institution. 2015. p.4-6. Available at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2015/12/09/what-americans-really-think-about-muslims-and-islam/>.
37. Copesey N, Dack J, Littler M, Feldman M. Anti-Muslim Hate Crime and the Far Right. Middlesbrough: Teeside University; 2013. p.6. Available at: <https://www.tellmamauk.org/wpcontent/uploads/2013/07/antimuslim2.pdf>.
38. Pitter L. Hate Crimes Against Muslims in US Continue to Rise in 2016. Human Rights Watch. 2017. p.28. Available at: <https://www.hrw.org/news/2017/05/11/hate-crimes-against-muslims-us-continue-rise-2016>.
39. Goeman S. Islamophobia Is a Racism. The Huffington Post. 2013. p.4. Available at: <https://www.unisa.edu.au/siteassets/episerver-6files/documents/eass/mnm/commentaries/sayyid-racism-islamophobia.pdf>.
40. Orlando A, Sullivan E. Victim in Pasco hate crime had gun, decided not to use it. Tampa Bay Times. 2013. p.7. Available at: <https://www.tampabay.com/news/publicsafety/crime/victim-in-pasco-hate-crime-had-gun-decided-not-to-use-it/1268955>.
41. Basu M. 15 years after 9/11, Sikhs still victims of anti-Muslim hate crimes. CNN; 2016.
42. Samari G. Islamophobia and public health in the United States. American Journal of Public Health. 2016; 106(11): 1920-1925.